



An Inquiry into the Notion of the Prophet's Mi'raj in the Second and Third Centuries AH

Zeinab Shams¹ | Hmidreza Fahimitabar² | Hossein Sattar³
Mohammad Hasan Saneai Pur⁴

1. PhD Student, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Foreign Language, Kashan University, Kashan, Iran. Email: z.shams@qom.ac.ir

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Foreign Language, Kashan University, Kashan, Iran. Email: h.fahimitabar@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Foreign Language, Kashan University, Kashan, Iran. Email: sattar@kashanu.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Foreign Language, Kashan University, Kashan, Iran. Email: saneipur@kashanu.ac.ir

Abstract

Identifying the earliest perspectives on issues that have become a consensus among Muslims, such as the Prophet's Ascension (mi'raj), is always of great value, as it enables a reconstruction of historical layers and, by comparing the evolution of viewpoints over time, allows for a deeper understanding of intellectual developments among Muslims. A brief review of the Ascension reports (riwāyāt al-mi'rājiyyah) reveals that the Prophet's Ascension was not originally viewed in the same manner as it is today. The present study seeks to uncover the reasons behind the emergence and transformation of perspectives on the Ascension in the second and third centuries AH. To this end, assuming the authenticity and originality of the reports, and employing the approach of the history of notions, the study compiles and analyzes the totality of opinions attributed to the scholars of these two centuries. The findings indicate that, in the second century (relative to the first), both the number of scholars and their reported opinions drastically decreased, and a profound divergence among the extant views is apparent. On one hand, the acceptance of the journey was subjected to skepticism, while on the other, highly precise and detailed discussions about it were presented. In the third century, alongside the distinction between the terrestrial and celestial journeys and the growing prominence of the celestial journey among most scholars, the transmitted accounts became more focused in form, and the Ascension came to be viewed similarly to the stories of previous prophets, with dedicated chapters and independent treatises devoted to it. Overall, in these two centuries, the essence and modality of the journey were not central topics; instead, the functional aspects of the journey—the reasons for it—expanded, partly due to prevailing political and cultural circumstances, and reached such stability that it became a reliable reference for affirming political, religious, and theological tendencies.

Keywords: Ascension (Mi'raj al-Nabī), Night Journey (Isrā'), Mi'raj Narratives (Riwayāt al-Mi'rājiyyah), History of Notion.

Print ISSN: 2008-9430
online ISSN: 2588-4956
<http://homepage.jqst@ut.ac.ir>

Quranic Researches and Tradition

University of Tehran
Faculty of Theology
and Islamic Studies



Cite this article: Shams, Z., Fahimitabar, H., Sattar, H., & Saneai Pur, M. H. (2025). An Inquiry into the Notion of the Prophet's Mi'rāj in the Second and Third Centuries AH. *Quranic Researches and Tradition*, 57 (2), 459-479. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.386230.670410>



Article Type: Research Paper

Received: 10-Dec-2024

Received in revised form: 10-Mar-2025

Accepted: 19-Mar-2025

Published online: 19-Mar-2025

کاوشی پیرامون انگاره معراج پیامبر (ص) در سده دّوم و سوّم قمری

زینب شمس^۱ | حمیدرضا فهیمی تبار^۲ | حسین ستار^۳ | محمد حسن صانعی پور^۴

۱. دانشجوی دکترا، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

رایانامه: z.shams@gom.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: h_fahimitabar@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: sattar@kashanu.ac.ir

۴. دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: saneipur@kashanu.ac.ir

چکیده

یافتن نخستین نگاه‌ها به مباحث مورد اجماع مسلمانان از جمله معراج پیامبر (ص) همواره ارزشمند است، چرا که کمک می‌نماید تا با بازسازی لایه‌های تاریخی و مقایسه تطوّر دیدگاه در گذر زمان به درکی عمیق‌تر از تحولات فکری مسلمانان دست‌یافت. مرور اجمالی روایات معراجیه نشان می‌دهد معراج پیامبر (ص) از ابتدا به صورت آنچه امروزه نگریسته می‌شود، نبوده‌است. تحقیق پیش رو درصدد کشف چرایی پیدایش و تحوّل دیدگاه‌ها به معراج در قرن دّوم و سوّم هجری است. بدین منظور با پیش‌فرض صحت و اصالت روایات و با بکار بستن رویکرد تاریخ انگاره، مجموع اقوال منتسب به هر یک از صاحب‌نظران این دو سده را کنار هم نهاده و به تحلیل آن‌ها پرداخته‌است. نتایج جستار نشان از آن دارد که در قرن دوم (نسبت به قرن نخست) شمار صاحب‌نظران و اقوال آنان به شدّت کاهش یافته، در اقوال موجود شکافی عمیق میان دیدگاه‌ها مشهود است. از یک سو پذیرش سیر مورد تشکیک واقع شده و از سوی دیگر مباحث بسیار دقیق و جرئی پیرامون آن ارائه شده‌است. در قرن سوّم ضمن تمایز سیر زمینی و آسمانی و برجسته شدن سیر آسمانی پیامبر (ص) نزد اغلب صاحب‌نظران، منقولات شکلی متمرکزتر یافته و به معراج همچون قصص انبیای پیشین نگریسته شده، ابواب خاص و مکتوبات مستقلى به آن اختصاص یافته‌است. به طور کلی در این دو قرن چپستی و چگونگی سیر چندان مطرح نبوده، در عوض بهرمندی از کارکردهای سیر (چرایی) بنا به دلایلی از جمله شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم توسعه یافته، و به چنان ثباتی رسیده که به سان مرجعی موثق در تأیید گرایش‌های سیاسی، مذهبی و کلامی بدان استناد شده‌است.

کلیدواژه‌ها: معراج پیامبر (ص)، اسری، روایات معراجیه، تاریخ انگاره.



استناد: شمس، زینب، فهیمی تبار، حمیدرضا، ستار، حسین، و صانعی پور، محمد حسن (۱۴۰۳). کاوشی پیرامون انگارهٔ معراج پیامبر (ص) در سدهٔ دوم و سوم قمری. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۷ (۲)، ۴۷۹-۴۵۹.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.386230.670410>

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹



مقدمه

معراج پیامبر اسلام (ص) انگاره‌ای است که وقوع آن مورد قبول همه مسلمانان است. این واقعه اغلب به عنوان صعود پیامبر (ص) به ورای آسمان‌ها که ادراکات ماورایی را به همراه داشته شناخته شده است.

مرور اجمالی تقلیّات مشهور به روایات معراجیه که در جوامع روایی مسلمانان به صورت متواتر (تواتر معنوی) آمده، اختلافاتی در نقل این واقعه را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که از ابتدا به صورت آنچه امروزه معهود ذهبی اغلب مسلمانان است، نگریسته نشده و در طی پانزده قرن فراز و نشیب‌های گوناگونی را از حیث چیستی، چرایی و چگونگی داشته است.

محققان دلالی برای این اختلاف نقل بر شمرده‌اند، از جمله عدم تصریح قرآن به معراج پیامبر (ص)، ماهیت رازگونه‌ی عروج، و زبان تمثیلی روایات (عزیزی کیا، ۱۳۸۴: ۵۴).

تغییر و تطوّرات در موضوعی همچون معراج که اصل آن مورد اجماع تمامی مسلمانان است، بازتاب دهنده تحوّل دیدگاه‌ها بدان در گذر زمان است که بنا به ادله‌ای موجبات نگریسته شدن بدان به گونه‌هایی متفاوت فراهم شده است.

ارتباط وثیق برداشت افراد از یک موضوع با شرایط فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی حاکم بر جامعه امری غیرقابل انکار است. یافتن این که شرایط زمانه در قرن دوم و سوم هجری چه اثری بر برداشت‌ها از معراج داشته و آن را به چه سمت و سویی سوق داده، مسئله این مطالعه است. یافتن عوامل اثرگذار و اثر این عوامل بر دیدگاه‌ها به موضوع ثابت معراج، ضمن نشان دادن لایتغیر بودن برداشت‌ها، تلنگری بر مفاهیم شکل گرفته امروزی زده و فرصت (به عبارت دقیق‌تر امکان) نگاه از زوایای دیگر را فراهم می‌آورد.

با توجه به مصادف بودن زمان معراج پیامبر (ص) با طلوع اسلام، می‌توان خط سیر دیدگاه‌ها بدان را تا به امروز ردیابی نمود و به‌شناختی از تحوّل افکار در برهه‌های زمانی مختلف دست‌یافت، یافته‌های حاصل را با آگاهی‌های قبلی در مورد موضوعات مختلف در هر دوره مقایسه نمود. آن‌ها را تکمیل کرد و یا با استناد به دانسته‌های قبلی، نقدی بر یافته‌های حاصل از این پژوهش زد و به اصلاح آن پرداخت. به هر صورت گامی جهت کم شدن فاصله‌ها و نزدیکی به حقیقت برداشت و خانه‌های خالی هر چند کوچک از پازل تاریخ را تکمیل نمود.

در تحقیق انگاره معراج پیامبر (ص) تا پایان سده نخست قمری (۱۴۰۳ ش) اقوال صحابیان در منابع دست اول اسلامی پیرامون معراج پیامبر (ص) کاویده شد. بدست آمد آرای صاحب‌نظران پیرامون سیر پیامبر (ص) از زمان وقوع (تقریباً سال دهم بعثت) تا پایان قرن اول در برخی مولفه‌ها هیچ تغییری نداشته‌اند. به عنوان نمونه همواره شخصی که به معراج برده شده پیامبر (ص) است، سیر شبانه بوده، و مدت آن کمتر از یک شب بوده است. در برخی مولفه‌ها تغییرات اندکی دیده شد. به عنوان نمونه

مکان شروع سیر، منزل امّ هانی (از قول امّ هانی (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۳: ۵۱۶))، حجر یا حطیم (از قول مالک بن صعصعه (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵: ۳))، و شعب ابی طالب (ع) گفته شده (از قول جابر بن عبدالله انصاری (فاکهی، ۱۴۲۴ق: ج ۳: ۲۶۷)) که به طور کلی مکه دیده شده است، و یا اینکه نام مرکب پیامبر (ص) را اغلب بُراق گفته اند، در موارد نادری آشیانه پرنده (تنها در قول انس بن مالک (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۱: ۱۶۰))، معراج (تنها در قول ابوسعید خدری (تیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۲: ۱۰۵-۱۱۱)) نام برده شده است.

اما محلّ نزاع، مقصد (مقاطع) و کیفیت سیر بوده که آرای گوناگون را رقم زده است. در قرن یک عایشه (بالذری، بی تا: ج ۱: ۲۵۶)، مالک بن صعصعه (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۲۹: ۳۶۹-۳۷۲) و انس بن مالک (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۱۱: ۱۸۴-۱۸۶) به روحانی دیدن سیر اذعان داشته اند. مقصد و مقاطع سیر نیز

۱. بیت المقدس (به عنوان نمونه در قول ابن عباس (ابن ازرق، ۱۴۱۳ق: ۱۸۱))،
 ۲. آسمان/آسمان دنیا (به عنوان نمونه در قول انس بن مالک (تیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۲: ۱۰۱-۱۰۵))،
 ۳. رفتن به بیت المقدس و سپس سیر به آسمان به صورت پیوسته (به عنوان نمونه در قول ابوسعید خدری (تیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۲: ۱۰۵-۱۱۱) و ابوهریره (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵: ۶-۱۰))
 ۴. و نیز به صورت ترکیبی از این حالات: به عنوان نمونه رفتن به بیت المقدس و دیدن رویای صعود به آسمان در آنجا (در قول ابن عباس (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۴: ۱۶۶-۱۶۷))، و یا دیدن رویا پس از/حین سیر به بیت المقدس (در اقوال حذیفه (صنعانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱: ۳۱۷)، ابن عباس (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۴: ۱۶۶-۱۶۷) و ضحاک بن قیس (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵: ۷۷)) دیده شده است.
- مضافاً این که علاوه بر اذعان تعدّد سیر (به عنوان نمونه در اقوال ابو بردّه اسلمی (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۳۳۵-۳۳۶) و براء بن عازب (علی بن جعد، ۱۴۰۵ق: ۹۲۹)) از غیر قابل جمع بودن مجموع اقوال برخی، باور تعدّد سیر نزد آنان برداشت شد (به عنوان نمونه در قول ابن مسعود (ابن هشام، بی تا: ج ۱: ۳۹۷ و ۴۰۷)).

از حیث چرایی نیز با توجه به انتساب سیر به خداوند و عدم اکتسابی بودن آن (به عبارت دقیق تر عدم برنامه ریزی آن از سوی پیامبر (ص))، کارکردهای سیر متوجه زمان بعد از سیر بوده که در جوانب متعدّدی به میزان گوناگون از آن بهره برده است. از جمله اثبات نبوت پیامبر (ص)، بیان تعالی حداکثری و فرازی ایشان از مقام نبوت، تقویت و تحکیم پایه های دین تازه تأسیس اسلام، تأکید گرایش های سیاسی و مذهبی و غیره.

همان گونه که روشن است سیر پیامبر (ص) در قرن نخست دورانی پرتلاطم را پشت سرگزارده که به طور کلی در سه وهله می گنجد: ۱- عدم پذیرش سیر (به مثابه دروغ و سحر پنداشتن آن)، ۲-

پذیرش سیر و پی‌جویی چیستی و چگونگی امکان وقوع آن (به مثابه طی الارض و رویا دیدن سیر)، ۳-توجه به چرایی سیر با گشوده شدن و توسعه دامنه بهرمندی از کارکردهای آن به رغم تفاوت دیدگاه در چیستی و چگونگی (در این وهله سیر به مثابه سفری به ورای آسمان‌ها (جسمانی/روحانی) و حتی تا ملاقات با خدا دیده شده).

از عوامل اثرگذار در شکل‌گیری این دیدگاه‌ها باور داشتن عقاید و انگاره‌های کهنی نظیر در آسمان دانستن خدا و قدرت صعود به آسمان انبیای مرسل از سوی خدا است. همچنین اصرار پیامبر (ص) بر ادعای خویش، پذیرش رسالت پیامبر (ص)، رشد روز افزون جایگاه ایشان در اذهان مردمان قرن نخست و نیز گرایش‌های سیاسی حاکم بر جامعه نقش بسزایی را در ظهور، شکل‌گیری و رسیدن به ثبات دیدگاه‌ها به سیر پیامبر (ص) داشته‌است (برای کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: شمس، ۱۴۰۳: فصل ۲ و ۳).

همان گونه که روشن است میان آنچه از دیدگاه‌ها به سیر پیامبر (ص) در قرن یک به دست آمد و آنچه امروزه از معراج پیامبر (ص) مشهور است، فاصله بسیاری وجود دارد. به عنوان نمونه امروزه اغلب معراج پیامبر (ص) را یک سیر مستقیم به آسمان‌ها می‌شناسند؛ در حالی که در قرن یک همزمان چند دیدگاه در مورد مقطع و مقصد سیر پیامبر (ص) رواج داشته‌است. در گام بعدی (پس از قرن ۱) مطالعه پیش رو در نظر دارد به کشف خاستگاه و چرایی این تفاوت‌ها بپردازد. مشخصاً در صدد است دریابد اولاً در سده دوم و سوم هجری چگونه نگرینسته شده و چه تحولاتی را پشت سر گزارده‌است؟ و ثانیاً چه عواملی در ایجاد و شکل‌گیری این دیدگاه‌ها و تطورات موثر بوده‌است؟

برای پاسخ به این سوالات رویکرد تاریخ انگاره^۱ را برگزیده و با پیش‌فرض صحت روایات، ابتدا مجموع اقوال هر یک از صاحب‌نظران که به ترتیب تاریخ وفاتشان (به عنوان زمان انعقاد قول) مرتب شده‌اند را کنار هم قرار داده، و سپس با تحلیل گزاره‌های موجود در اقوال هر صاحب‌نظر که به چیستی (ناظر بر ماهیت سیر)، چگونگی (ناظر بر چگونگی انجام سیر) و چرایی (ناظر بر کارکردهای سیر به استناد ادراکات پیامبر (ص)) تفکیک شده، سعی شده خوانشی از دیدگاه‌ها در قرن دو و سه هجری به معراج پیامبر (ص) با استناد به داده‌های موجود در منابع اسلامی بدست آید.

تاریخ انگاره به ما اجازه می‌دهد از چنبره‌ی گفتمان اندیشه‌های امروزی و تفاسیری که امروزه رواج و غلبه دارد خارج شویم تا مفاهیم معنای خود را از کاربست‌شان در بافت تاریخی کسب کنند. لازمه به جنگ آوردن معنای یک مفهوم در بافت، این است که افزون بر معنای قاموسی دریا بیم مفهوم چگونه با بافت تاریخی‌اش ارتباط دارد. چون انگاره‌ها و گفتمان‌ها ثابت، تخلف‌ناپذیر نیستند، بل که مفاهیمی سیال و شناورند و با توجه به انگیزه‌های فاعل، اهداف و اغراض وی و نیز شرایط زمانی و مکانی، دگرگون می‌شوند. همچنین در تاریخ انگاره تأثیر و تأثر انگاره‌ها نسبت به یکدیگر مورد توجه است، به این معنا که یک فکر و عقیده تا چه میزان متأثر از عقیده و اندیشه‌های قبلی خود شکل گرفته و تا چه

¹. History of Ideas

اندازه بر شکل‌گیری جریان‌های فکری پس از خود اثرگذار بوده‌است (گرامی، ۱۳۹۶: ۷۵، ۱۰۹ و ۱۰۵).

تأکید می‌گردد این مطالعه فارغ از یافتن حقیقت معراج، درصدد یافتن نگاه‌ها و مباحث مطرح پیرامون آن است. لذا در مواردی داده‌های جعلی از آن حیث که بیانگر مطرح بودن مبحثی مرتبط به معراج، در برهه زمانی خاص است، ارزشمند بوده و با کنار هم چیدن دانسته‌ها و یافته‌های دیگر، نتایج قابل اعتمادی به همراه دارد.

روش بسیاری از محققان با رویکرد تاریخ‌انگاره پیش‌فرض صحت روایات است.^۲ گلدزیهر نیز در تحلیل مسئله پیش‌فرض صحت روایات را دارد. وی نخست می‌کوشد با مفروض گرفتن اصالت روایات اسلامی و انتساب هریک به همان شخصیتی که ادعا می‌شود از وی صادر شده‌اند، مجموع آراء منتسب به هریک از شخصیت‌های تاریخ صدر اسلام، و سیر تحول تاریخی آراء ایشان را بازشناسد. آن‌گاه شواهد ناسازگار با این تصویر کلی را-که البته به نظر او بسیار اندک‌اند-بازشناسی و تحلیل، و درک حاصل شده در مرحله نخست را بازبینی می‌کند (خانی، ۱۴۰۱ش: ۳۲).

پیشینه تحقیق

آثاری که می‌تواند به عنوان پیشینه برای این جستار معرفی گردد، عبارت است از:

۱. فردریک کولبای^۳ در کتاب روایت سفر شبانه محمد^۴، (۲۰۰۸ م)، کولبای با بررسی روایت‌های ابن عباس از نخستین دوره‌های تاریخ اسلام تا قرن هفتم زمینه‌های شکل‌گیری و تحول معراج، هنجارها، نیازهای مختلف جامعه اسلامی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف را نشان داده‌است.
۲. کریستین گروبر^۵؛ در کتاب ایلخانی معراج^۶ (۲۰۱۰ م)، به معرفی و مقایسه معراجنامه ایلخانی پرداخته‌است. دو نویسنده (کولبای و گروبر) کار مشترکی تحت عنوان مواجهه بین فرهنگی با داستان‌های معراج اسلامی^۷ را ارائه داده‌اند که در آن مقالات مختلف پیرامون معراج پیامبر (ص) در دوره‌های تاریخی مختلف جمع آوری شده‌است.
۳. در این تحقیقات مقایسه معراج پیامبر (ص) با مصادیق متعدّد (همزمان) یافت نشد، همچنین نوآوری این پژوهش رویکرد انگاره‌ای است که فهم معراج از منظر مخاطبان را در گذر زمان بررسی می‌نماید.

^۲. از جمله مقالات «شهید از گواه محکمه تا کشته راه دین: زمینه‌های قرآنی شکل‌گیری انگاره» و «تاریخ انگاره شهید تا پایان عصر صحابه» نوشته فرهنگ مهرش (مهرداد خانی).

^۳. Frederick S. Colby

^۴. Narrating Muhammad's Night Journey

^۵. Christiane Gruber

^۶. The Ilkhanid Book of Ascension

^۷. The Prophet's Ascension: Cross-Cultural Encounters with the Islamic Miraj Tales.

معراج پیامبر (ص) در سده دوم هجری

نکته‌ای که در بررسی اولیه‌ی معراج پیامبر (ص) در قرن دوم و سوم هویدا است، اُفت شدید تعداد اقوال و صاحب‌نظران در سده دوم نسبت به سده اول و سوم است. انتظار می‌رود با اتمام دوران منبع تدوین حدیث (در سال ۹۹ق)، تعداد صاحب‌نظرانی که قولی پیرامون سیر پیامبر (ص) دارند، نسبت به قرن یک افزایش یافته باشد. اما به عکس تعداد آنان به شدت کاهش یافته است. همچنین در قرن سوم، فراوان است اقوال پیرامون سیر پیامبر (ص) که به صحابیان قرن نخست منسوب شده و در قرن دوم هیچ اثری از آنان نیست. از این رو ساختار این نوشتار در دو بخش قرن دوم و قرن سوم به شرح زیر تنظیم گردیده است.

در قرن دوم دسته‌بندی جدیدی به دیدگاه‌های موجود پیرامون سیر پیامبر (ص) از حیث چیستی، چرایی و چگونگی، نسبت به قرن نخست اضافه نشده است. آنچه مشهود است تقویت و تضعیف برخی دسته‌ها در اواسط این قرن به ویژه از لحاظ چرایی سیر است که گویی افراد به رقم پذیرش تفاوت آرای یکدیگر در چگونگی انجام سیر، و عدم چالش برانگیزی مباحثی نظیر مقصد، مقاطع، کیفیت انجام سیر، در بهرمندی از انواع کارکردهای سیر اتفاق نظر داشته‌اند.

نسبت به قرن یک در این قرن که بهتر است گفته شود برهه زمانی اواسط قرن دوم هجری، تأکید بر کارکردهایی نظیر اثبات نبوت پیامبر (ص) و یا فرا روی ایشان از مقام نبوت نیست هر چند گزاره‌هایی که بر این کارکردها دلالت دارد در برخی اقوال آمده ولی تکیه کلام قائلان بر آن نبوده است. کارکرد شرح شگفتی‌های آسمانی و تقویت و تحکیم پایه‌های دین اسلام به مدد سیر پیامبر (ص) نیز در اقوال معدودی آمده و چندان مطمح نظر نبوده است. در این دوره از سیر پیامبر (ص) بیشتر در موارد زیر بهره برده شده است:

۱. تأیید گرایش‌های سیاسی (به ویژه در بیان فضائل ابوبکر در گزاره‌هایی به مضمون همراهی ابوبکر در سیر با پیامبر (ص)، دادن وعده خوردن پرندگان بهشتی مشاهده شده در سیر از سوی پیامبر (ص) به ابوبکر، و یا دیدن نام وی هم‌ردیف نام پیامبر (ص) در مکتوب عرشی در اقوال محمد بن کعب قرظی (زبیر بن بکار، ۱۴۱۹ق: ج ۲: ۵۸۴)، حسن بصری (ابن هشام، بی‌تا: ج ۱: ۳۹۹-۳۹۷)، ابن شهاب زهری (صنعانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱: ۳۲۴)، مقاتل (۱۴۲۳ق: ج ۲: ۵۱۳).
۲. رفع شبهات عقیدتی: از جمله مکان استقرار و چگونگی رویت پروردگار در اقوال مجاهد (۱۴۱۰ق: ۶۲۵ و ۶۲۷)، مقاتل (۱۴۲۳ق: ج ۴: ۱۶۰-۱۶۱)، قتاده (صنعانی، ۱۴۱۱ق: ج ۲: ۲۰۲).

لفظ به کار برده شده از سوی صاحبان کتب این قرن از جمله مجاهد بن جبر، زید بن علی (ع)، ابو حمزه ثمالی، مقاتل بن سلیمان، ابن اسحاق، ابن مبارک، ابویوسف قاضی، ابن وهب و یحیی بن سلام، «اسری» است. در اواخر این قرن تنها یحیی بن سلام تیمی در تفسیرش از قول ابوسعید خدری،

لفظ «معراج» را در اشاره به مرکب سیر آسمانی پیامبر (ص) آورده است (تیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۲: ۱۰۵-۱۱۱).

صاحب‌نظران کلیدی این قرن (بر حسب شمار اقوال و ارجاع به آنان در قرون بعدی) امام صادق (ع)، مقاتل بن سلیمان، ابوحمزه ثمالی، ابن اسحاق (که تاریخ وفاتشان در محدوده اواسط قرن دوم است) و نیز یحیی بن سلام تیمی (۲۰۰ق) هستند.

صاحب‌نظرانی نظیر امام صادق (ع)، مقاتل بن سلیمان، ابوحمزه ثمالی و ابن اسحاق با یادکرد از سیر پیامبر (ص) در مکتوباتشان، جان تازه‌ای بدان داده‌اند. قتاده، حسن بصری، امام صادق (ع)، و یحیی بن سلام روایت‌های متمرکز و داستان‌وارانه (با حفظ روند منطقی) از سیر پیامبر (ص) که شامل گزاره‌های متعدّد با اختلاف در مقصد و کیفیت سیر است را آورده‌اند. در این برهه باور تعدّد سیر چنان رواج یافته که در قولی امام صادق (ع) تعداد سیرهای پیامبر (ص) را بالغ بر ۱۲۰ مورد شمرده است (رک: صفار، ۱۴۰۴ق: ۷۹).

به طور کلی شکاف عمیقی بین دیدگاه‌ها به سیر پیامبر (ص) در نیمه نخست قرن دوم وجود داشته است. از یک سو در نگاهی حداقلی، پذیرش سیر مورد تشکیک واقع شده است. تا جایی که امام باقر (ع) درصدد اصلاح باور مردمان عراق در آسمانی دیدن مقصد سیر پیامبر (ص) است (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۴۲)، و امام صادق (ع) (با همدریف قرار دادن سیر با موضوعات عقیدتی نظیر قیامت، رجعت، عذاب قبر (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۱۶-۳۱۷)، و تکذیب کننده پیامبر (ص) خواندن تکذیب کننده معراج (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۰) بر پذیرش سیر اصرار داشته‌اند.

از سوی دیگر در یک نگاه حداکثری، دغدغه برخی دیگر نقطه اوج سیر است که در مباحثی نظیر نزدیک شوندگان به یکدیگر در سیر (پیامبر (ص) به خدا/ خدا به پیامبر (ص) / پیامبر (ص) به جبرئیل)، و چگونگی رویت خداوند (با بصر/ فواد) بوده است. در نگاه آنان سیر به چنین ثباتی رسیده که برای رفع ابهامات ظاهری آیات قرآن نیز از بدان استناد شده است. به عنوان نمونه چگونگی پرسش پیامبر (ص) از انبیای سلف با وجود حداقل ششصد سال فاصله زمانی تا عیسی (ع) (آخرین آنان) که در آیات زخرف/ ۴۵ و یونس/ ۹۴ آمده به سیر پیامبر (ص) ارجاع داده شده است (در اقوال منسوب به امام باقر (ع) (ابوحمزه ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۲۹۹-۳۰۰) و مقاتل (۱۴۲۳ق: ج ۲: ۵۱۳-۵۲۰)).

طرح مباحث پیچیده و نظری در اثر ارتباط مسلمانان با فرهنگ‌ها و ادیان دیگر، یا ترجمه آثار فلسفی و دینی، از ویژگی‌های دیگر قرن دوم قمری است (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۳)، بحث خلق قرآن و صفات خداوند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳) و مسئله رؤیت خدا از نمونه مباحثی که سابقه آن را قرن دوم دانسته‌اند (سبحانی، ۱۴۳۹ق: ۲۵ و ۲۴). ارتباط وثیق بین دیدگاه‌ها به سیر پیامبر (ص) و شرایط فرهنگی حاکم را می‌توان از گزاره‌هایی نظیر پرداختن به موضوع استقرار خداوند در آسمان (به عنوان نمونه در اقوال مجاهد (۱۴۱۰ق: ۶۲۵ و ۶۲۷) و چگونگی ارتباط پیامبر (ص) با خالق هستی (در اقوال حسن بصری (صنعانی، ۱۴۱۱ق: ج ۲: ۲۰۳)) دریافت.

همان گونه که اشاره شد از لحاظ آماری؛ سیر پیامبر (ص) در برهه زمانی قرن دوم (به جز اواسط این قرن) مورد بر حسب ظاهر مورد غفلت واقع شده است. بررسی شرایط حاکم بر مسلمانان بیانگر علت این فروکاست است. دهه دوم و سوم این قرن شورش های بنی عباس علیه بنی امیه رخ داده است. اساساً نیمه نخست سده دوم (دوره حیات صاحب نظران کلیدی قرن دو) دوره ای ویژه و تعیین کننده در تاریخ تمدن اسلامی توصیف شده و به گونه ای گسلی تاریخی است که فهم شرایط آن دشوار است و تصویری سیال و چند وجهی دارد، انتقال حکومت از بنی امیه به بنی عباس تنها اتفاقی سیاسی و منحصر به سده دوم نبود و روندی تحولی و تدریجی را در تمدن اسلامی شکل داد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۱).

سال های نخستین قرن دوم زمان اوج گیری مشرب های فقهی و نقل روایات تفسیری است. بسیاری از عالمان اهل سنت این دوره وابسته به بنی امیه بوده و همین امر باعث شد امام باقر (ع) تلاش کند سنت پیامبر (ص) را فارغ از تحریف های خلفا و عالمان وابسته به آنان، احیا کند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۹۲). گزاره پرسش امام باقر (ع) از جعفر جعفی پیرامون دیدگاه مردمان عراق به سیر پیامبر (ص) و اصلاح باور آنان (رک: قمی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۴۲) از وجود تفاوت نگاه ها به سیر پیامبر (ص) به تفکیک جغرافیا و البته دغدغه امام باقر (ع) بر اصلاح آن ها حکایت دارد.

تمایز دیدگاه ها به سیر پیامبر (ص) به تفکیک مرزهای جغرافیایی موضوعی است که بررسی مستقلی را می طلبد. رگه هایی از این تمایز را در تفسیر جامع الیbian می توان بازجست که طبری (وفات در سال ۳۱۰ ق) ذیل آیات نجم با بیان تفاوت مفهوم «کذب / کذب» در «ما کذب الفؤاد ما رأی» (نجم: ۱۱) و «افتمارونه / افتمارونه» در «افتمارونه علی ما یری» (نجم: ۱۲) بر حسب تفاوت قرائت هایی که بر حسب مناطق (بصره، کوفه، عراق، مدینه و مکه) بدان پرداخته است (طبری، ۱۴۲۴ ق: ج ۲۷: ۲۹). غالیان و جریان غلو از گروه های شیعی فعال در قرن دوم هجری به شمار می روند (میرحسینی، ۱۳۹۲: ج ۲: ۲۲۸). در این برهه ادعای عروج به آسمان از سوی ابو منصور عجل (۱۲۱ ق) و ابوالخطاب اسدی (۱۳۸ ق) سرکرده فرقه خطاییه گزارش شده که امام صادق (ع) با رویکرد اصلاحی به انکار آنان پرداخته است (عده ای از علما، ۱۳۶۳: ۴۹-۴۷). نمی توان این موضوع را به حساب عواقب روحانی دانستن سیر پیامبر (ص) و فراهم شدن بساط تعمیم ادراکات پیامبر (ص) در عروجشان گزارش کرد، چرا که منسوریه انحصار عروج به پیامبر (ص) را انکار می کردند و معتقد بودند ابومنصور با جسد خود در یقظه به آسمان صعود نمود و با خدا مکالمه داشته و خدا بر سر او دست مالیده است (خیای، ۱۳۷۹: ۹۶).

همچنین محققان موضوع علم امام را از مباحث مطرح در اوایل سده دوم قمری، و به عبارت دقیق تر اواخر قرن نخست برشمرده اند. به گونه ای که یک تلقی فرا بشری از امامت پدیدار شده و از مباحث مطرح در این برهه تفکیک جایگاه نبی و امام، و به عبارت بهتر تفکیک علم امام از مقوله وحی نبوی بوده است.

در دهه سوم و چهارم این قرن، مفوضه به عنوان گروهی از غلات در جامعه شیعه، ائمه (ع) را موجوداتی فرایشی می‌خواندند و معتقد بودند آنان را دارای علم غیب و قدرت تصرف در کائنات هستند (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۹: ۶۱). این گروه درصدد بودند علم غیب و حتی دریافت وحی غیرقرآنی را به امامان انتساب دهند و از سوی دیگر امامان بنا بر ادله‌ای از جمله عدم درگیری با حکما که از غالیان پشتیبانی می‌کردند، حتی در جلسه با یاران خاص خود، چنین علم و وحی‌بی را از خود نفی می‌کردند (برای کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: گرامی، ۱۳۹۸: سراسر اثر).

اثر چنین فضایی را در قولی که به امام صادق (ع) منتسب شده، می‌توان دید که می‌گوید: برای ما در شب‌های جمعه شأنی است ... به ملائکه، نبیین، اوصیای فوت شده و وصی‌بی که در بین شما است اجازه داده می‌شود به آسمان عروج نماید، عرش خدا را طواف نماید ... صبح می‌شود درحالی که انبوهی از علم‌ها به وصی الهام شده‌است (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۳۱).

در این که نقش پیامبر (ص) در این میان چه بوده‌است، بی‌شک این روایات قصد فروکاست جایگاه والای پیامبر (ص) با افزایش افرادی که عروج را تجربه کرده‌اند، نبوده‌است. چرا که اولاً همان گونه که گفته شد در اواخر قرن یک دیدگاهی که معراج را به مثابه فرصت بی‌بدیل و منحصر به رسول الله (ص) که به ارتباط بدون واسطه با خالق هستی و دریافت وحی مشافهه‌ای انجامیده، رواج داشته، و ثانیاً در بحث از علم امامان و عروج آنان مراتبی بسیار پایین‌تر از ادراکات پیامبر (ص) در سیرشان را گفته‌اند. لذا چنین روایاتی هرگز رنگ و بویی از تأثیرگزاری شرایط فرهنگی-اجتماعی جامعه بر دیدگاه‌ها نداشته، بل که معراج پیامبر (ص) است که اثرگذار بوده و شرایط جامعه را به بهرمندی درست یا نادرست از خود سوق داده‌است.

از مباحث مطرح دیگر در قرن دوم اختصاص باب مستقل به سیر پیامبر (ص) است که اولین بار در اواسط این قرن از سوی ابن اسحاق بوده‌است (در ابن اسحاق، ۱۳۶۸: ۲۹۵-۲۹۷). این موضوع همراه با شکل گرفتن نقل‌های داستان وارانه و مستند سازی سیر از طریق توجه نمودن به مولفه‌هایی نظیر هدف سیر، مکان شروع سیر، زمان سیر که پیش از این چندان مهم نبوده، و نیز بازسازی واکنش اولین مخاطبان سهم بسزایی در تکامل تدوین و شکل‌گیری مکتوبات مستقل پیرامون سیر داشته‌است.

ابن اسحاق ذیل باب «حدیث الاسراء برسول الله (ص) الی بیت المقدس لیلة أُسري بالنبي (ص)» داستانی آورده که امکان دستیابی به برخی از ادراکات پیامبر (ص) در سیر را در مراتب پایین‌تر برای دیگران (غیر انبیاء) به صورت روحانی ممکن دانسته شده‌است. وی از قول انس بن مالک (در مدینه) و نیز ابوالعالیه (در خراسان) آورده که در حالت بیماری/احتضار (روحانی)، برخی انبیاء را مشابه سیر پیامبر (ص) دیده‌اند (رک: ابن اسحاق، ۱۳۶۸: ۲۹۵-۲۹۷).

افزایش شمار نقل‌های داستان وارانه در اواسط قرن دوم، از عوامل اثر گذار در شکل‌گیری مکتوبات مستقل در موضوع سیر پیامبر (ص) است. نخستین معراج نامه مکتوب حدیث الاسراء و

المعراج منسوب به ابن عباس است که به احتمال قوی در قرن دوم هجری کتابت شده است (رک: کولبای، ۲۰۰۸م: فصل دوم). مکتوب مستقل دیگر پیرامون سیر پیامبر (ص) در این قرن کتاب المعراج نوشته هشام بن سالم جوالیقی (از اصحاب امام صادق (ع)) است که نجاشی در رجالش آن را معرفی نموده است (رک: نجاشی، بی تا: ۴۳۴). محتوای این کتاب در دست نیست، از حجم زیاد روایاتی که در تفسیر قمی از طریق هشام بن سالم به امام صادق (ع) منسوب شده احتمال می رود بخشی از محتوای آن کتاب، روایاتی باشد که علی بن ابراهیم قمی از طریق هشام از امام صادق (ع) در تفسیرش آورده است.

معراج پیامبر (ص) در سده سوم هجری

در قرن سوم هجری از ۴۲ صاحب نظر در ۵۰ اثر مطالب پیرامون سیر پیامبر (ص) جستجو شد. در سایر مکتوبات مورد بررسی (تقریباً ۱۱۷ مورد) مطلبی از سیر پیامبر (ص) دیده نشد.

صاحب نظران کلیدی قرن سوم عبدالرزاق صنعانی، ابن هشام کلبی، ابن سعد، احمد بن حنبل، بخاری، مسلم، بلاذری، قمی، و طبری هستند.

در این دوره نیز چگونگی و چستی سیر چندان مطرح نیست، هر چند اشاراتی بدان داشته ولی تکیه آرا بر چرایی سیر بوده است. از بررسی مجموع اقوال صاحب نظران بسیاری؛ اساساً چگونگی سیر حاصل نشد از جمله ابن ماجه (در کتاب شش جلدی سنن ابن ماجه)، ترمذی (در کتاب شش جلدی سنن ترمذی)، عثمان بن سعید دارمی (در کتاب الزد علی الجهمیه)، اسحاق بن ابراهیم ختلی (در کتاب الیباج)، سهل بن عبدالله تستری (در کتب لطائف قصص الانبیاء و تفسیر التستری)، ابراهیم بن اسحاق حربی (در کتاب سه جلدی غریب الحدیث لابراهیم الحربی).

گویی فراز و نشیب های مقصد غایی و کیفیت سیر، در قرن سوم به تثبیت هر چند نسبی رسیده است. به طور کلی از حیث چگونگی، مولفه های چالشی سیر چنین دیده شده است: کیفیت سیر:

۱. جسمانی (به عنوان نمونه در اقوال طبری (۱۴۱۲ق: ج ۱۵: ۱۳-۱۴)، قمی (۱۳۶۳: ج ۲:

۱۷-۱۳)، بزار (۱۴۳۰ق: ج ۷: ۳۱۵-۳۱۶)).

۲. روحانی (به عنوان نمونه در اقوال بخاری (۱۴۱۰ق: ج ۶: ۳۴-۳۵)، بلاذری (۱۴۱۷ق: ج ۱:

۲۵۵)، ابن ابی عاصم (۱۴۱۱ق: ج ۴: ۱۱۴)).

۳. ترکیبی از جسمانی و روحانی (به عنوان نمونه دیدن رویا در بیت المقدس، و یا در فراز سفر آسمانی که در بیت المقدس فرود آمده) (به عنوان نمونه در اقوال ترمذی (۱۴۱۹ق: ج ۵: ۱۵۳)،

بلاذری (۱۴۱۷ق: ج ۱: ۲۵۶)، ابن قتیبه (۱۴۲۳ق: ۴۹)).

مقصد/مقاطع سیر:

۱. بدون جابه جایی (سیر روحانی) (به عنوان نمونه در اقوال ابن ابی عاصم (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱ق: ج ۴: ۱۱۴)، بلاذری (۱۴۱۷ق: ج ۱: ۲۵۵)، مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق: ۱: ۱۴۷)).
 ۲. مستقیم به بیت المقدس (به عنوان نمونه در اقوال ابن ابی خيثمه (۱۴۲۴ق: ج ۱: ۱۷۴)، ابن قتیبه (۱۴۲۳ق: ۴۹)، فاکهی (۱۴۲۴ق: ج ۲: ۱۰۲)).
 ۳. رفتن به بیت المقدس و از آنجا به آسمان (به صورت پیوسته) (به عنوان نمونه در اقوال ابن سعد (۱۴۱۰ق: ج ۱: ۱۶۷)، قمی (۱۳۶۳ق: ج ۲: ۱۲-۲)، یعقوبی (بی تا: ج ۲: ۲۶)).
 ۴. مستقیم به آسمان دنیا و ورای آن (به عنوان نمونه در اقوال ابن ابی خيثمه (۱۴۲۴ق: ج ۱: ۱۷۲ و ۱۷۳)، فاکهی (۱۴۲۴ق: ج ۲: ۱۱۴ و ۲۴)، صنعانی (۱۴۱۱ق: ج ۱: ۳۱۴-۳۱۷)).
- از حیث چستی نیز چنین دیده شده است:

۱. پیمودن جسمانی مسافت مکه تا بیت المقدس در مدت زمان کوتاه (به مثابه طی الارض) (به عنوان نمونه در اقوال احمد ابن حنبل (۱۴۱۶ق: ج ۵: ۲۸-۲۹)، جاحظ (۲۰۰۲م: ۱۷۱)، عبدی (۱۴۰۶ق: ج ۱: ۸۰-۸۲)).
 ۲. دیدن خواب/روای صعود به آسمان‌ها (به عنوان نمونه در اقوال بلاذری (۱۴۱۷ق: ج ۱: ۲۵۵)، بخاری (۱۴۱۰ق: ج ۶: ۳۴-۳۵ و ۱۹۴-۱۹۹)، مسلم (۱۴۱۲ق: ج ۱، ۱۵۰-۱۵۱)).
 ۳. پروازی جسمانی از مکه مستقیم به آسمان دنیا و ورای آن (به عنوان نمونه در اقوال تستری (۱۴۲۳ق: ۱۵۶)، دارمی (۱۴۱۶ق: ۶۷)، ابن ابی عاصم (۱۴۱۱ق: ج ۴: ۱۹)).
 ۴. سفری جسمانی به بیت المقدس، و سپس پرواز به آسمان‌ها (به عنوان نمونه در اقوال قمی (۱۳۶۳ق: ج ۲: ۱۲-۲)، فاکهی (۱۴۲۴ق: ج ۱: ۱۸۱)، یعقوبی (بی تا: ج ۲: ۲۶)).
 ۵. دیدن رویا در مسیر و یا خود بیت المقدس (به عنوان نمونه در اقوال ترمذی (۱۴۱۹ق: ج ۵: ۱۵۳)، بلاذری (۱۴۱۷ق: ج ۱: ۲۵۶)، ابن قتیبه (۱۴۲۳ق: ۴۹)).
- در این قرن باور تعدّد سیر با پذیرش کیفیت و مقصد نهایی متفاوت متداول بوده است. آنچه نمود داشته برجسته شدن و انتساب اکثر ادراکات ماورایی پیامبر (ص) به یک سیر آسمانی است. سیر پیامبر (ص) به آسمان که در قرن سه قوت یافته (و البته بعد از قرن سه بر رواج آن افزوده شده) همان قول نادری از فاطمه (س) (۱۲ق) است در میان حجم انبوه منکران سیر که آن را به مثابه دروغ و سحر، سوژه‌ای برای استهزاء و آزار بیشتر پیامبر (ص) قرار داده بودند. حتی پذیرندگان نیز آن را در حدّ طی الارض می‌پنداشتند. اکنون بعد از دو قرن این ناسازگاری، به قول غالب تبدیل شده است (همسو با روش گلدزیهر).

شایان ذکر است برگردان مَجسّطی (از کتب مهمّ در علم هیئت نوشته بطلمیوس) از یونانی به عربی توسط یحیی بن خالد برمکی (۱۹۰ق) بوده است. در این کتاب که تا قرن هفتم پایه علم هیئت به شمار می‌آمده، نظریه عدم خرق و التیام آسمان آمده است. بر عکس تأثیری که در قرن سوّم از ترجمه این کتاب بر دیدگاه‌ها به معراج پیامبر (ص) احتمال می‌رود، سیر پیامبر (ص) به آسمان دنیا و ورای

آن در قرن سوم باورمندان بیشتری داشته است. از دلایل این موضوع باور فرا بشر انگاری پیامبر (ص) و به تبع آن امامان است که پیش از این گفته شد.

همان گونه که گفته شد در قرن سوم نسب به ادوار پیشین کارکردهای سیر دامنه وسیع تری داشته است. هر چند کارکرد جدیدی به چرایی سیر افروده نشده، لکن گزاره‌های جدیدی ذیل برخی کارکردها یافت شد. مواردی نظیر بهرمندی از سیر در شرح شگفتی‌هایی که منسوب به آسمان می‌پنداشتند. کارهایی زیر در این قرن پرتکرار بوده است:

۱. تحکیم و تقویت پایه‌های دین اسلام (بالاخص با تفسیر آیات قرآن): به عنوان نمونه عبدالرزاق در تفسیر اسرا: ۱، مدثر: ۳۱، آل عمران: ۶۸، مریم: ۵۷ (رک: صنعانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱: ۳۱۷-۳۱۵).

۲. رفع شبهاتی (از جمله رویت خداوند): به عنوان نمونه پرداختن امام رضا (ع) به دعوای محمد بن ابی نصر و اصحاب هشام بن حکم در موضوع رویت پروردگار (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۰). عبدالرزاق نیز از قول ابن عباس می‌گوید: پیامبر (ص) دو بار خدا را دید، از قول کعب می‌گوید: با قلبش خدا را دید، از عایشه می‌گوید: خدا را ندید بل که جبرئیل را دید. پس از ذکر این اقوال، قول ابن عباس را با این عبارت ترجیح داده است: «ما عائشة عندنا بأعلم من ابن عباس» (صنعانی، ۱۴۱۱ق: ج ۲: ۲۰۴). ابن حنبل نیز می‌گوید: «اگر خدا همه جا هست، اسرا، براق و معراج معنی نداشت! در این صورت از زعم شما، -پیامبر (ص)- به سوی چه کسی به آسمان رفته است؟» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۸ق: ۲۱۳) و به همین مضمون از دارمی (دارمی، ۱۴۱۶ق: ۶۷).

۳. بهرمندی از سیر در تأکید بر گرایش‌های سیاسی و مذهبی، به ویژه بیان فضائل اهل بیت (ع) و به طور خاص علی (ع) چشم‌گیر است. گزاره‌های نوینی به مضمون سفارش بر فضیلت و خلافت علی (ع) برای اولین بار در این قرن دیده شد، نظیر معرفی علی (ع) به عنوان هادی امت پیامبر (ص) از سوی خدا، وجود برگ‌های درخت بهشتی طوبی در خانه علی (ع)، و اشتیاق ملائکه به دیدن علی (ع) (به عنوان نمونه در اقوال فرات بن ابراهیم کوفی (۱۴۱۰ق: ۲۰۶-۲۰۷)، محمد بن حسن صفار (۱۴۰۴ق: ۱۹۱-۱۹۲) و علی بن ابراهیم قمی (۱۳۶۳: ج ۲: ۱۲-۲)).

۴. بهرمندی از سیر پیامبر (ص) در اصلاح جامعه، همسو با موازین اسلام است که از قضا بیانگر وضعیت اجتماعی و فرهنگی آن دوران است. به عنوان نمونه آنچه ابن هشام از واقعه معراج نقل کرده با شرایط اخلاقی و فساد حاکم بر جامعه آن روزگار و رذیلت‌های شایعی همچون ربا خواری، تعدی به اموال دیگران (به ویژه یتیمان)، زن باره‌گی اعراب جاهلی انطباق دارد (ضرغام و عظیمی، ۱۳۹۵: ۳۴).

گزاره‌هایی ثابت با تغییر افراد، به عنوان همراهی پیامبر (ص) در سیر که گاه به ابوبکر و گاه به علی (ع) نسبت داده شده، و یا دیدن نام ابوبکر، و در برخی نقل‌ها نام علی (ع) در مکتوب عرشی مشاهده شده توسط پیامبر (ص) در سیرش، بیانگر فضای رقابتی بین شیعه و سنی و بهرمندی از سیر در تأیید

گرایش‌های سیاسی-مذهبی است. به صورت خاص در اواخر این قرن استناد به سیر در تأکید بر گرایش‌های شیعی نزد صاحب‌نظرانی نظیر علی بن ابرهیم قمی و محمد بن حسن صفار مشهود است. به نظر می‌رسد خاستگاه اینکه برخی باور معراج پیامبر (ص) را به شیعیان اختصاص داده‌اند، در این دوران باشد.

این استناد دهی تنها در موضوعات سیاسی و مذهبی نبوده، بل که در تأییدگرایش‌های کلامی نیز به سیر پیامبر (ص) ارجاع داده‌اند. به عنوان نمونه عثمان بن سعید دارمی در الرد علی الجهمیه به منظور اثبات باور خویش (در آسمان بودن خدا) می‌گوید: و اگر-خدا-در هر مکانی بود آنچنان که می‌پندارند، در این صورت اسراء، براق و معراج معنایی نداشت. پیامبر (ص) به سوی چه کسی، به سوی آسمان عروج کرد؟ (دارمی، ۱۴۱۶ق: ۶۷ و به همین مضمون از احمد بن حنبل در ۱۴۲۸ق: ۲۱۳).

این موارد از عبور سیر از مرحله شکل‌گیری و رسیدن به ثبات و استناد به آن به مثابه مرجعی موثق حکایت دارد.

در قرن سه عرفا معراج پیامبر (ص) را نه تنها یک واقعه تاریخی، بل که الگویی برای سفر روحانی انسان به سوی خدا می‌دانستند. به عنوان نمونه بایزید بسطامی (۲۶۱ق) معراج پیامبر (ص) را نمادی از فنا در ذات خداوند می‌دیده و در معراج نامه‌اش گزاره‌هایی را آورده که مشابه معراج پیامبر (ص) است. نظیر صعود طبقانی و مرحله به مرحله به آسمان (بنگرید به: حسینی و روستایی راد، ۱۳۹۸: ۳۷).

در قرن سوم هر چند اغلب اقوال صاحب‌نظران پراکنده بوده، لکن در آثاری متعلق به این قرن سیر پیامبر (ص) همچون قصص انبیای پیشین دیده شده‌است. نقل داستان واره سیر (منظور آوردن اقوال مربوط به سیر پیامبر (ص) کنار یکدیگر و حفظ روال منطقی در وقوع اتفاقات است) در آثار یحیی بن سلام (در تفسیرش به نقل از ابوسعید خدری و انس بن مالک (ذیل اسراء: ۱ در ج ۱: ۱۰۱-۱۱۴)) عبدالرزاق صنعانی (به نقل از به نقل از ابوسعید خدری در ج ۱: ۳۱۴-۳۱۶)، بخاری (در صحیح در «بَابُ حَدِيثِ الْإِسْرَاءِ» از قول جابر بن عبدالله انصاری در ج ۶: ۳۴-۳۵، و در «بَابُ الْمِعْرَاجِ» از قول انس بن مالک در ج ۶: ۱۹۴-۱۹۹)، و نیز مسلم (در صحیح ذیل باب «بَابُ الْإِسْرَاءِ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى السَّمَاوَاتِ وَفَرَضِ الصَّلَوَاتِ» به نقل از ابوذر، مالک بن صعصعه و انس بن مالک در ج ۱: ۱۴۵-۱۵۱) دیده شد.

در مقاله تحوّل دامنه‌ای در انگاره قصص قرآن کریم (۱۳۹۸) نویسنده به مرحله‌بندی مسیر شکل‌گیری انگاره قصص قرآنی پرداخته‌است. وی در مرحله پنجم به نقش اثرگذار مورخان سده سوم رسیده‌است. این یافته بیانگر فضای فرهنگی حاکم در قرن سوم است که نتیجه آن در موضوع معراج پیامبر (ص) نیز سازگار است.

از مباحث مطرح در این برهه تمایز سیر زمینی و آسمانی است که گاه در باب مستقل ارائه شده است. به عنوان نمونه بخاری در صحیح ابتدا در «بَابُ حَدِيثِ الْإِسْرَاءِ» ذیل اسرا: ۱ از قول جابر بن عبدالله انصاری سیر زمینی پیامبر (ص) به بیت المقدس و تکذیب قریشیان را آورده (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۶: ۳۴-۳۵) و سپس در «بَابُ الْمِعْرَاجِ» نقل داستان گونه‌ی سیر پیامبر (ص) به ورای آسمان‌ها از قول انس بن مالک (در گفتگو با جارود) آورده شده است (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۶: ۱۹۴-۱۹۹).

همچنین برخی صاحب‌نظران در آثار خود آیه نخست سوره اسرا را دال بر سیر زمینی، و آیات سوره نجم را دال بر سیر آسمانی دانسته‌اند از جمله فزاء (فزاء، ۱۹۸۰م: ج ۲: ۱۱۵-۱۱۶ و ج ۳: ۹۵)، کوفی (۱۴۱۰ق: ج ۲۰: ۲۰۶-۲۰۷)، و طبری (۱۴۱۲ق: ج ۲۷: ۳۱-۳۲ و ج ۱۵: ۱۳-۱۴).

گاه تمایز سیر زمینی و آسمانی از سوی برخی در الفاظ بکارگرفته شده در اشاره به سیر بازتاب داشته است. لفظ غالب بکار برده شده از سوی اغلب صاحبان کتب این دوره همچنان «اسری» است. تا پایان قرن سوم کاربست اصطلاح «معراج»، به ندرت (کمتر از انگشتان یک دست) به عنوان نام مرکب سیر آسمانی پیامبر (ص) در آثار ابن ابی عاصم (۱۴۱۱ق: ج ۴: ۱۱۴)، طبری (۱۴۱۲ق: ج ۱۵: ۱۳-۱۴)، و تستری (۱۴۲۵ق: ۸۴ و ۱۳۰) دیده شد. لفظ «معراج» در اشاره به خود سیر پیامبر (ص)، اولین بار در مسند الرضا (ع) اثر داود بن سلیمان غازی در اشاره به مطلق سیر (فارغ از مقصد) دیده شد (رک: غازی، ۱۳۷۶: ۸۲). پس از غازی، ابن سعد در الطبقات الکبری، و حسن بن عرفه عبدی در جزء الحسن بن عرفه العبدی، هر دو لفظ را به تفکیک مقصد («اسری» در اشاره به سیر زمینی (رک: عبدی، ۱۴۰۶ق: ج ۱: ۸۰-۸۲)، و «معراج» در اشاره به سیر آسمانی (رک: عبدی، ۱۴۰۶ق: ج ۴۴-۴۵)) آورده‌اند.

علی بن ابراهیم قمی که دوران حیات وی اواخر قرن سوم بوده، لفظ «اسرا» را برای اشاره به مطلق سیر (رک: قمی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۰، ۹۶، ۲۱ و غیره)، و لفظ «معراج» را صرفاً برای اشاره به سیر آسمانی (رک: قمی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۳۳۵ و ۳۳۰: ج ۱: ۲۲) آورده است.

تمایز سیر زمینی و آسمانی تنها در محل پرداختن به آن‌ها و الفاظ دیده نشده است. ابن سعد علاوه بر تقدّم سیر آسمانی بر زمینی در ترتیب باب‌ها، تاریخ معراج (سیر آسمانی) را هجده ماه قبل از هجرت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۱: ۱۶۶)، و تاریخ اسری (سیر زمینی) را یک سال قبل از هجرت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۱: ۱۶۶-۱۶۷) ذکر نموده است. این تقدّم، با تقدم تاریخ نزول سوره نجم که در آن به سیر آسمانی اشاره شده، بر تاریخ نزول سوره اسرا که در آن به سیر زمینی اشاره شده همخوانی دارد.

تاریخ پژوهان قرن سوم قمری را دوره حرکت و پیشرفت تمدن اسلامی می‌دانند. از این قرن ترجمه آثار مکتوب در زمینه فلسفه، طب، ریاضیات، نجوم و جغرافیا و غیره که تا آن زمان به صورت علمی در حوزه عرب‌زبان قلمرو اسلامی بی‌سابقه می‌نمود، شروع شد. می‌توان قرن سوم قمری را سرآغاز رشد علمی مسلمانان و گسترش اسلام در میان ملت‌ها و گسترش تشیع در میان مسلمانان دانست (رک: جعفریان، ۱۳۸۵: ۷-۱۱). به نظر می‌رسد انعکاس این رشد در سیر پیامبر (ص) با اختصاص

باب مستقل در آثار صاحب‌نظران این قرن باشد که در مواردی حتی به تفکیک ابواب پیامون سیر مورد مناقشه انجامیده است. برمک

ابن هشام اولین نفری است که در السیره النبویه باب مستقلی به نام «ذكر الإسراء و المعراج» دارد (در ج ۱: ۳۹۶-۴۰۰)، پس از وی ابن ابی شیبہ در المغازی با نام «حديث المعراج حين أسري بالنبي (ع)» (ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۲ق: ۱۱۹-۱۲۲)، بلاذری در المسند با نام «باب في قصة المعراج» (۴۱۷ق: ج ۱: ۲۵۶)، و نیز یعقوبی در تاریخ با نام «الأسرا» (در ج ۲: ۲۵-۲۶) باب مستقلی را به سیر پیامبر (ص) اختصاص داده‌اند. نام این ابواب (به جز تاریخ یعقوبی) از تمایز اسرا و معراج خبر می‌دهد، ولی در محتوای ابواب تفکیکی بین «اسرا» و «معراج» نیست، حتی لفظ «معراج» در کل کتاب و سایر آثار آنان در اشاره به سیر پیامبر (ص) بکار نرفته است. لذا احتمال می‌رود نام این ابواب از سوی دیگرانی در آینده نهاده شده باشد.

علی بن ابراهیم قمی تنها نفری است که در تفسیرش لفظ «معراج» را نه به عنوان مرکب آسمانی پیامبر (ص)، و نه تنها در عنوان باب (آن هم سوی دیگران) بلکه در مقام اصطلاحی برای اشاره به خود سیر پیامبر (ص) و در متن محتوای باب آورده است (به عنوان نمونه: قمی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۳۳ و ج ۱: ۲۲).

در این قرن برخی با دقت بیشتر به تفکیک ابواب سیر پیامبر (ص) اقدام نموده‌اند. بخاری در صحیح (با اسامی) «بَابُ حَدِيثِ الْإِسْرَاءِ» (در ج ۶: ۳۴-۳۵) و «بَابُ الْمِعْرَاجِ» (در ج ۶: ۱۹۴-۱۹۹)، مسلم در صحیح (با اسامی) «بَابُ الْإِسْرَاءِ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى السَّمَاوَاتِ، وَفَرَضِ الصَّلَوَاتِ» (در ج ۱: ۱۵۴-۱۴۵)، «بَابُ فِي ذِكْرِ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى» (ج ۱: ۱۵۸-۱۵۹)، باب «وَهَلْ رَأَى النَّبِيُّ (ص) رَبَّهُ لَيْلَةَ الْإِسْرَاءِ؟» (در ج ۱: ۱۵۹-۱۶۱)، و بلاذری در المسند (با اسامی) «باب في قصة المعراج» (در ج ۱: ۲۵۷-۲۵۵) به تفکیک سیرهای پیامبر (ص) بر اساس مقصد زمینی و آسمانی پرداخته‌اند.

در این تقسیم‌بندی اغلب ملاک، مقصد سیر است. مقصد همان شاه کلیدی است که منجر به شکل‌گیری آرای گوناگون در مورد مقاطع، کیفیت و به تبع آن دفعات سیر گردیده است. اما همواره چنین نبوده است. ابن ابی خيثمه در تاریخ (با اسامی) «وقت الإسراء» (در ج ۱: ۱۷۱) و «الإسراء من البيت الحرام» (در ج ۱: ۱۷۲-۱۷۴) به تفکیک سیر بر اساس زمان و مکان شروع به سیر پیامبر (ص)، و عبدی در جز الحسن بن عرفة عبدی با تفکیک بر اساس ادراکات پیامبر (ص) «مشاهدات الرسول (ص) في ليلة المعراج» (در ج ۱: ۴۴-۴۵) و «في تكلم الرسول (ص) مع موسى نبي الله في ليلة المعراج» (در ج ۱: ۸۰-۸۲) به سیر توجه نموده‌اند.

نتایج

در شکل زیر هریک از دسته‌های چپستی، چرایی و چگونگی در طی سه قرن نخست قمری (به منظور ردیابی بهتر قرن یک نیز آورده شده) بر اساس مولفه‌ها و گزاره‌های موجود به دسته‌های دقیق‌تر تقسیم

شده و در محور عمودی نموداری قرار گرفته‌اند که در محور افقی آن، افراد بر اساس تاریخ وفات قرار دارند.



۱. نمودار ۱-تطور دیدگاه صاحب نظران سه قرن نخست هجری پیرامون معراج پیامبر (ص)

همان گونه که نمودار نشان می‌دهد دیدگاه‌های متعددی پیرامون چیستی و چگونگی سیر به طور همزمان (و نه متوالی) در جریان بوده و حتی تعدد سیر از همان سال‌های آغازین وقوع سیر باورمندان داشته‌است.

در قرن اول هجری، آرای متعددی پیرامون سیر پیامبر (ص) ظهور نموده و اکثر دیدگاه‌ها از حیث چیستی، چرایی و چگونگی رقم خورده‌است؛ به گونه‌ای که در دو قرن بعدی دسته جدیدی در چیستی، چرایی و چگونگی سیر افزوده نشده و گزاره‌های جدید به دسته‌های موجود تعلق یافته‌است.

گفته شد مقصد سیر همان شاه کلیدی است که منجر به شکل‌گیری آرای گوناگون در مورد مقاطع سیر، کیفیت سیر و به تبع آن دفعات سیر گردیده‌است. صاحب نظران به سرعت از چیستی و چگونگی سیر؛ معطوف چرایی سیر و بهرمندی از کارکردهای آن شد و تا پایان قرن سوم دامنه این بروندادها گسترده بوده‌است.

شرایط سیاسی حاکم بر جامعه موجب تنزل اقوال موجود پیرامون سیر پیامبر (ص) در قرن دوم گردیده‌است (به جز اواسط این قرن). شکاف عمیقی بین دیدگاه‌های موجود پیرامون سیر در این برهه وجود داشته‌است. از یک سو در یک نگاه حداقلی پذیرش سیر مورد شک واقع شده، و از سوی دیگر مباحث جزئی نظیر چگونگی رویت خدا توسط پیامبر (ص) و نزدیک شوندگان به یکدیگر در سیر مطرح گردیده‌است.

در قرن سوم نیز چرایی سیر محور آراء صاحب‌نظران بوده‌است. بهرمندی از سیر در تقویت گرایش‌های مذهبی (به ویژه گرایش‌های شیعی)، و نیز بهرمندی از سیر در رفع شبهات مطرح جامعه نسبت به ادوار پیشین بیشتر شده‌است. در این قرن به رغم باور تعدّد سیر، یک سیر که آسمانی بوده، بر جسته و اغلب ادراکات به آن نسبت داده شده‌است.

اختصاص ابواب مستقل و نیز تمایز اسرا و معراج (اغلب بر اساس مقصد زمینی و آسمانی) از مباحث مطرح در قرن سوم است.

رایج‌ترین لفظ برای اشاره به سیر پیامبر (ص) در طی سه قرن نخست هجری، «اسری» است. لفظ «معراج» که امروزه برای اشاره به سیر شبانه مورد مناقشه پیامبر (ص) مشهور شده، در سه قرن نخست بسیار نادر است. اولین موارد کاربری آن در اشاره به مرکب آسمانی پیامبر (ص) است. علی بن ابراهیم قمی اولین نفری است که لفظ «معراج» را نه به عنوان مرکب آسمانی پیامبر (ص)، بل که اصطلاحی در اشاره به خود سیر آورده‌است.

از عوامل موثر بر شکل‌گیری دیدگاه‌های گوناگون پیرامون سیر پیامبر (ص) در این دو قرن علاوه بر قرن نخست کهن الگوها و باورهای اسطوره‌ای (نظیر استقرار خداوند در آسمان و عروج انبیا به آسمان)، شرایط سیاسی-فرهنگی حاکم بر جامعه، گرایش‌های کلامی، نهضت ترجمه و غیره بوده‌است.

در پایان بررسی تطوّر آرای صحابی‌ان کلیدی پیرامون سیر پیامبر (ص) و مقایسه با یافته‌های این تحقیق به عنوان کارهای آتی پیشنهاد می‌گردد. مشابه تحقیقی که فردریک کولبای در روایت سیر شبانه محمد (ص) (روند تحوّل گفتمان ابن عباس از معراج پیامبر (ص)) انجام داده‌است.

منابع

- قرآن مجید (۱۳۷۶). ترجمه: محمّد مهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن ابی خيثمه، احمد بن زهير (۱۴۲۴ق). تاريخ ابن ابی خيثمه. مصر: الفاروق الحديثة للطباعة و النشر.
- ابن ابی شيبة، عبدالله بن محمد (۱۴۲۲ق). المغازی. چاپ دوّم. رياض: دار اشبيلى.
- ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو (۱۴۱۱ق). الآحاد و المثنائى. رياض: دارالراية.
- ابن ازرق، نافع (۱۴۱۳ق). غريب القرآن فى شعر العرب. بيروت: موسسه الكتب الثقافية.
- ابن اسحاق، محمد (۱۳۶۸). سيرة ابن اسحاق. قم: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). المسند احمد بن حنبل. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن سليمان، مقاتل (۱۴۲۳ق). تفسير مقاتل بن سليمان. بيروت: داراحياء التراث العربى.
- ابن قتيبة، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۳ق). تأويل مشكل القرآن. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن مبارك، عبدالله بن مبارك (۱۴۲۵ق). الزهد لابن مبارك. چاپ دوّم. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن هشام، عبدالملك بن هشام (بى تا). السيرة النبوية. بيروت: دارالمعرفة.
- ابوحمزه ثمالى، ثابت بن دينار (۱۴۲۰ق). تفسير القرآن الكريم (ثمالى). بيروت: دارالمفيد.
- بخارى، محمد بن اسماعيل (۱۴۱۰ق). صحيح بخارى. مصر: جمهوريه مصر العربية.
- برقى، احمد بن محمد (بى تا). المحاسن. چاپ دوّم. بيروت: دارالكتب العلمية.
- بزار، احمد بن عمر (۱۴۳۰ق). المسند البزار. مدينة: مكتبة العلوم و الحكم.
- بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۴۱۷ق). جمل من انساب الاشراف. بيروت: دارالفكر.
- پاكتچى، احمد (۱۳۹۱). شرايط علمى و فرهنگى در عصر امام صادق (ع) و بستر شكل گيرى مذهب جعفرى، در ابعاد شخصيت و زندگى امام صادق (ع). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ترمذى، محمد بن عيسى (۱۴۱۹ق). السنن ترمذى. قاهره: دارالحديث.
- تستري، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). التفسير التستري. بيروت: دار الكتب العلمية.
- _____ (۱۴۲۵ق). لطائف قصص الأنبياء. بيروت: دار الكتب العلمية.

تیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق). تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی. بیروت: دارالکتب العلمیة.

جاحظ، عمرو بن بحر (۲۰۰۲م). رسائل الجاحظ: الرسائل السياسية. چاپ دوم. بیروت: دار و المكتبة الهلال.

جعفریان، رسول (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع). قم: موسسه انصاریان.

_____ (۱۳۸۵). «نظرگاه / نگاهی به ادوار تمدن اسلامی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۰۷.

حسینی، مریم، روستایی راد، الهام (۱۳۹۸). «نمادپردازی عرفانی در معراج نامه بایزید بسطامی»، مطالعات عرفانی، شماره ۱۵. دوره ۱.

خانی، حامد (۱۴۰۱). «تاریخ انگاره شهادت تا پایان عصر صحابه». پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۵۵. دوره ۱.

خیاوی، روشن (۱۳۷۹). حروفیه (تاریخ، عقاید و آرا). تهران: فردوسی.

دارمی، عثمان بن سعید (۱۴۱۶ق). الرد علی الجهمیة. چاپ دوم. کویت: دار ابن الاثیر.

زبیر بن بکار (۱۴۱۹ق). جمهرة نسب قریش و أخبارها. ریاض: دارالیمامة.

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۳۹ق). رؤیة الله فی ضوء الكتاب و السنة و العقل الصریح. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

شمس، زینب (۱۴۰۳). تاریخ انگاره‌ی معراج پیامبر (ص) تا پایان قرن سوم هجری در سنت تفسیری و روایی مسلمانان، رساله دکتري، به راهنمایی حمیدرضا فهیمی تبار، کاشان: دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق)، تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق. بیروت: دارالمعرفة.

ضرغام، ادهم؛ عظیمی، ندا (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی شرایط اجتماعی-سیاسی تاثیرگذار بر شکل‌گیری کمدی الهی دانتیه و معراج نامه». پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، شماره ۴. دوره ۳.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری). بیروت: دارالمعرفة.

عبدی، حسن بن عرفه (۱۴۰۶ق). جزء الحسن بن عرفه العبدی. کویت: مكتبة دارالأقص.

عده‌ای از علما (۱۳۶۳). الأصول الستة عشر. قم: دار الشبستری للمطبوعات.

عزیزی کیا، غلام‌علی (۱۳۸۴). «تأملی بر روایات معراجیه». معرفت، شماره ۹۶، دوره ۱۴.

- علی بن جعد (۱۴۰۵ق). المسند ابن ابی الجعد. کویت: مکتبة الفلاح.
- غازی، داود بن سلیمان (۱۳۷۶). مسندالرضا علیه السلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۴۲۴ق). اخبار مکه للفاکهی. چاپ چهارم. مکه: مکتبة الأُسدی.
- فراء، یحیی بن یزید (۱۹۸۰م). معانی القرآن (فراء). چاپ دوم. مصر: لهيئة المصرية العامة للكتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. چاپ سوم. قم: دارالکتاب.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). التفسیر فرات کوفی. تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- گرامی، محمد هادی (۱۳۹۸). انگاره علم غیب در فرهنگ و اندیشه متقدم شیعی. به کوشش: فرهنگ مهرش، تهران: انتشارات پژوهشکده قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی.
- گرامی، محمد هادی (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر تاریخ نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مجاهد بن جبر (۱۴۱۰ق). التفسیر المجاهد. مصر: دارالفکر السالمی الحديثة.
- محمدی شاهرودی، عبدالعلی (۱۳۷۹). پرتویی از معراج. تهران: اسوه.
- مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۸۹). مکتب در فرآیند تکامل. ترجمه: هاشم ایزدپناه، چاپ هشتم، تهران: کویر.
- میرحسینی، یحیی (۱۳۹۲). تعامل امام رضا (ع) با مهم‌ترین جریان‌های فکری-کلامی غیرشیعی، در ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نجاشی، ابوالعباس (بی‌تا). رجال النجاشی. محقق: سید موسی الشبیری الزنجانی، تهران: نشراسلامی.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی‌تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دارصادر.

Colby, Frederick S. (2008). *Narrating Muhammad's Night Journey, Tracing the Development of the Ibn Abbas Ascension Discourse*. state university of New York.